

# سیمای امنیت در آینه محیط زیست؛ نمونه کشورهای در حال توسعه

## مقدمه

امنیت ملی مفهومی است که در گذر زمان دستخوش تحولاتی بنیادین شده است. تا چند دهه پیش امنیت ملی تنها معنایی نظامی داشت و تضمین آن در گرو دستیابی به سخت افزارهای نظامی بود. در همین راستا تهدید نظامی مهم ترین تهدید برای امنیت هر کشور شناخته می شد و بیشتر نویسندگان به این اکتفا می کردند که امنیت را با نبود تهدید نظامی یا حفاظت از ملت در برابر براندازی یا حمله خارجی برابر قرار دهند.<sup>۱</sup> در این دوره سیاستمداران نیز امنیت کشور را معادل قدرت و امنیت نظامی می انگاشتند و اعمال قدرت نظامی یعنی قدرت نمایی یا توسل به جنگ از روشهای معمول برای حفظ امنیت و تأمین منافع ملی بود.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم که حتی در جریان آن نقش انکار نشدنی ملاحظات اقتصادی در تحصیل پیروزی های نظامی به اثبات رسید آرام آرام اذهان متوجه اهمیت توان اقتصادی در تضمین امنیت واحدهای ملی شد. بتدریج آشکار گردید که «تعریف امنیت ملی، صرفاً (یا حتی عمدتاً) بر حسب جنبه نظامی، تصور عمیقاً نادرستی از واقعیت را به ذهن متبادر می سازد».<sup>۲</sup> در آغاز چنین انگاشته می شد که توانایی هر دولت برای شرکت در جنگی دراز مدت تا اندازه زیادی به امکانات اقتصادی آن بستگی دارد و از همین رو اقتصاد همچنان تابع و کمک کار قدرت نظامی شناخته می شد.

با پدید آمدن تحولاتی چون پیشرفت فناوریهای موج سوم، افزایش شمار کشورهای جهان و دامنه یافتن مناسبات اقتصادی میان آنها، بالا رفتن سطح توقعات اقتصادی و سیاسی مردم از دولت های خود، و پیش آمدن ضرورت تخصیص بهینه منابع محدود مالی و انسانی موجود در هر کشور میان دو بخش نظامی و اقتصادی (میان تفنگ و کره) توان اقتصادی اندک اندک در مقایسه با قدرت نظامی اهمیت فزونی یافت. پیچیده تر شدن نظام اقتصادی بین المللی از فردای جنگ جهانی دوم، تجربه

ناموفق کشورهای نواستقلال جهان سوم در تکیه محض بر استقلال سیاسی و غفلت نابخوان از استقلال اقتصادی، به صحنه آمدن شرکتهای چندملیتی، و... توجه به قدرت اقتصادی در بررسی های امنیتی را به امری الزامی و غیر قابل چشم پوشی مبدل کرد.

زیر تأثیر این تحولات، کارشناسان و پژوهشگران امنیت ملی از دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آرام آرام دامنه مطالعات خود را گسترده تر ساختند و از توجه صرف به امور نظامی همچون استراتژی، تاکتیک، جنگ افزارها و لجستیک روی بر تافتند و بیش از پیش ملاحظات اقتصادی را در محاسبات و بحث های خود گنجانند. بررسی های امنیتی هم که پیشتر عمدتاً بر مسائل نظامی متمرکز بود، برای سازگار تر شدن با واقعیت موجود، عناصر اقتصادی قدرت را بر مجموعه موضوعات مورد مطالعه خود افزود و قدرت اقتصادی توانست با کسب هویتی مستقل، جایگاه شایسته خود را در مباحث امنیت ملی احراز کند.

اما از کمتر از دو دهه پیش با بروز مشکلات بزرگ زیست محیطی که بقای بشریت را در معرض تهدید قرار می دهد فصلی نو در بررسی های امنیتی گشوده شد. اگر همانگونه که ریچارد اولمان می گوید هر اقدام یارویدادی که اولاً به طریزی مؤثر و در طول مدت نسبتاً کوتاهی کیفیت زندگی ساکنان يك کشور را در معرض خطر قرار دهد و ثانیاً دامنه انتخابهای سیاستگذاران يك کشور یا واحدهای خصوصی غیر حکومتی (افراد، گروه ها، و شرکتهای) را بشدت در خطر قرار دهد تهدیدی برای امنیت ملی باشد<sup>۳</sup> باید خطراتی همچون آسیب دیدن لایه اوزون، بالا رفتن دمای زمین و اثر گلخانه ای (greenhouse effect)، و... را که محیط زیست بشر را در معرض نابودی قرار داده اند به عنوان تهدید امنیت ملی قلمداد کنیم. در گذر زمان، ادراك تهدید از شکل نظامی به بحران های اقتصادی و به بحران های زیست محیطی متحول شده است. در تعریف جدید امنیت،

● نکته قابل توجه در مورد تهدیدهای زیست محیطی آن است که عمدتاً زاده فعالیت انسان است یا در نتیجه فعالیت وی شتاب گرفته است.

هر ساله بخشهای وسیعی از اراضی قابل کشت را صحرا می بلعد. مهاجرت جماعتی روستایی در اثر پیشروی صحرا، موجب وارد آمدن فشار بیش از حد بر منابع سایر نواحی می شود و بدین ترتیب میان مهاجران و سکنه اصلی آن نواحی تنشهایی به وجود می آید. بنگلادش نمونه معکوس این حالت را به دست می دهد: کشوری لبریز از سیلابها و بارانها و خشکسالیهای متناوب که با افزایش سطح آب دریاها در نتیجه «اثر گلخانه ای» با تهدید غرقاب شدن یک سوم از خاک خود روبروست.<sup>۴</sup> اگر برخی از پیش بینیهای علمی در مورد بالا آمدن سطح آب دریاها درست از کار در آید ممکن است تعداد زیادی از دولتهای جزیره ای همچون مالدیو و تعدادی از دولتهای کوچک اقیانوس آرام کاملاً در آب فرو روند.

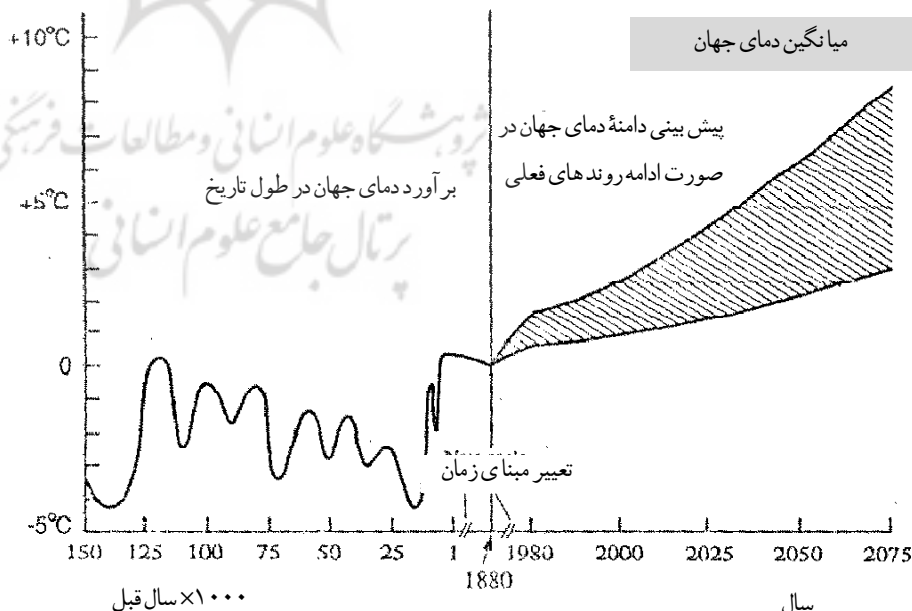
نکته قابل توجه در مورد تهدید زیست محیطی آن است که عمدتاً زاده فعالیت انسان است یا در نتیجه فعالیت وی شتاب گرفته است. چرای افراطی و عادات کشت و زرع در نواحی صحرای آفریقا و نابودی گسترده جنگلها در نیال و برزیل، مستقیماً در فرسودگی خاک سهم داشته است.

دیگر نمی توان آن را بطور یکجانبه تحقق بخشید. تعریف امنیت در مفهوم تازه آن همکاری دولتها را به جای رویارویی آنها می طلبد. با برخی مشکلات همچون اثر گلخانه ای تنها در مقیاس جهانی می توان مقابله کرد.

امروزه در پایان سده بیستم میلادی، حتی برای کشورهای در حال توسعه هم بعد کاملاً تازه ای از امنیت مطرح شده است: به جای وظایف مرسوم هم چون تأمین دفاع نظامی، ثبات سیاسی و توسعه اجتماعی و اقتصادی، معضلی که در آستانه سده بیست و یکم رویاروی تعدادی از این کشورها قرار گرفته است تضمین صرف بقای فیزیکی است.

### چالشهای زیست محیطی

از بسیاری جهات، بارزترین مسئله، تأثیر دگرگونی محیط زیست بر اقتصاد و نیز بر چشم انداز فیزیکی برخی کشورهای در حال توسعه است. مسئله دیرپای خشکسالی در کمربند جنوبی دولتهای صحرای آفریقا، نمونه ای از این امر است. در این دسته از کشورها



مأخذ:

Sources: **Ozone Depletion, the Greenhouse Effect, and Climate Change.** Hearings before the Subcommittee on Environmental Pollution of the Committee on Environment and Public Works, U.S. Senate. June 10-11, 1986, p. 94; and the World Resources Institute.

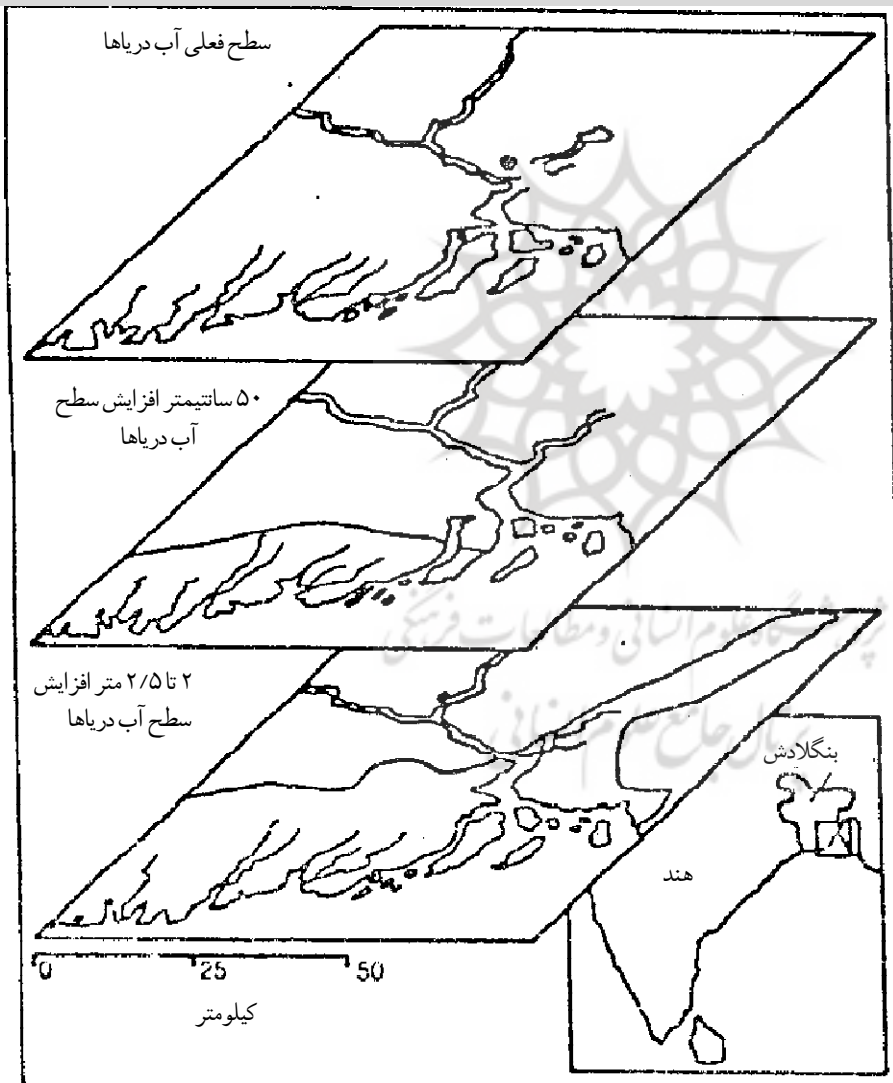
● در جامعه‌ای با شکاف‌های عمودی نمی‌توان با مسائل محیط‌زیست جدای از طیف وسیع‌تر پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن برخورد کرد.

از جمله پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ی احداث سدّ آسوان در مصر، محروم شدن دلتای نیل از آبرفت حاصلخیز، و معکوس شدن روند احیای اراضی دریایی آن هم در زمانی است که افزایش پیش‌بینی شده‌ی سطح آب مدیترانه این تهدید را مطرح ساخته که این ناحیه عمده‌ی کشاورزی تا سال ۲۰۲۵ زیر آب فرورود.

ممکن است اثرات زوال محیط‌زیست در یک کشور به دیگر کشورها نیز سرایت کند. چه بسا نابودی جنگل‌ها در نپال، در رها شدن آب‌هایی که

بنگلادش را در اواخر سال ۱۹۸۸ زیر پوشش گرفت سهم داشته است. همین‌طور و سوزاندن جنگل‌های استوایی در برزیل نیز باعث افزایش دی‌اکسید کربن و ایجاد اثر گلخانه‌ای می‌شود. در برخی موارد ممکن است ته کشیدن منابع محلی، کشوری را به اتخاذ راه‌حلهایی وادار سازد که بر همسایگانش تأثیری منفی به‌جای گذارد. تعمیم حقوق ماهیگیری مراکش به آب‌های صحرای غربی و حتی موریتانی، یک نمونه از این مسئله است و نمونه‌ی دیگر، طرح‌های اسرائیل برای تأمین آب

تأثیر بالا آمدن سطح آب دریاها بر سواحل بنگلادش



مأخذ:

Sources: United Nations Environment Programme (UNEP). **The Greenhouse Gases**, UNEP/Global Environment Monitoring System Environment Library No.1 (UNEP, Nairobi, 1987), p. 31, and **World Resources Report 1988- 1989** World Resources Institute, p. 174.

● برخی از کشورهای در حال توسعه، منابع و امنیت درازمدت محیط زیست و مردم خویش را در ازای دریافت سرمایه لازم برای توسعه، مبادله می کنند.

آهنگ نابودی جنگل های گرمسیری، ۱۹۸۰-۱۹۷۶ (میلیون هکتار در سال)					
بیشه زارهای باز		جنگل های محصور			
		گرمسیری مرطوب		گرمسیری در کل	
درصد از کل	منطقه	درصد از کل	منطقه	درصد از کل	منطقه
۰/۴۸	۲/۳۴	۰/۵۹	۱/۲۰	۰/۶۱	۱/۳۳
۰/۶۱	۰/۱۹	۰/۶۱	۱/۶۱	۰/۵۹	۱/۸۲
۰/۵۹	۱/۲۷	۰/۵۴	۳/۳۰	۰/۶۱	۴/۱۲
۰/۵۲	۳/۸	۰/۵۷	۶/۱۱	۰/۶۱	۷/۷۲

مأخذ: در مورد جنگل های محصور گرمسیری در کل و بیشه زارهای باز ر. ک. به: Jean Paul Lanly, Tropical Forest Resources, **FAO Forestry Paper No. 30** (United Nations Food and Agriculture Organization, Rome 1982), Table 6d, p. 80 and Table 6e, p. 84.

در مورد جنگل های گرمسیری مرطوب ر. ک. به: Alan Grainger, "Quantifying Changes in Forest Cover in the Humid Tropics: Overcoming Current Limitations", **Journal of World Forest Resource Management**, Vol. 1 (1984), Table 8, p.21. Original Table from **World Resources Report 1988 - 1989**, World Resources Institute, p. 71.

ممکن است چنین کانال آبی مورد استفاده نظامی نیز قرار گیرد، بنگلادش نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت بماند.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر، در جامعه ای با شکافهای عمودی (vertically - divided society) نمی توان با مسائل محیط زیست جدای از طیف وسیعتر پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن برخورد کرد.

### فشارهای زاینده خودفرسایی فیزیکی

با وجود پیامدهای زیست محیطی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، راه دیگری جز از دست دادن ثروتهای طبیعی خویش ندارند. این کشورها در جریان دستیابی به توسعه اقتصادی و در تلاش برای پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده جمعیتهای سریعاً در حال رشد، زیر بار بدهیهای سنگینی رفته اند که اغلب ساده ترین راه پرداخت اصل و فرع آنها، استخراج افراطی منابع طبیعی جانشین ناپذیر است. این حقیقت که کشور تازه صنعتی شده ای همچون برزیل باید در وضعیتی یکسان با کشورهای در حال توسعه فقیرتر باشد، نمایانگر قید و بندهایی است که بدهکاری و لزوم رقابت

بیشتر و تولید برق از طریق متصل ساختن مدیریتانه به بحرالمیت است که نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۸۰ و بار دیگر در سال ۱۹۸۹ مطرح گردید. چنین کاری منابع فسفات اردن را به طور کامل به زیر آب خواهد برد و ناگزیر بر تنشهای منطقه ای خواهد افزود.

نزدیکی رابطه موجود میان مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از یک سو، و امنیت از سویی دیگر در آسیای جنوبی به خوبی نمایان است. بنگلادش در اواسط دهه ۱۹۸۰ برای مهار سیلابهای موسمی که در عین حال منبع ذخیره ای برای ایام خشکسالی است پیشنهاد کرد که نپال، سدهایی برای مهار سیلابها بنا کند. این همکاری، هندوستان را که همسایه هر دو کشور بود به دلایل استراتژیک نگران ساخت و از همین رو آن کشور پیشنهاد کرد برای تأمین آب اضافی مورد نیاز بنگلادش بخشی از آب رودخانه برهماپوترا را به داخل خاک آن کشور منحرف سازد. اما این راه حل تأثیر نامطلوبی بر برخی از حاصلخیزترین اراضی کشاورزی بنگلادش می گذاشت. همچنین برخی از رهبران بنگلادش ابراز نگرانی کردند که چون

● بارو پرو شدن کشورهای در حال توسعه با مشکل مضاعف رشد جمعیت و کمبود غذا در دهه‌های آتی که بقای آنها را در معرض تهدید قرار خواهد داد اهمیت مهارت‌های در حال رشد اداری و اطلاعاتی آشکارتر خواهد شد.

بین‌المللی بر این کشور تحمیل کرده است. نابودی جنگلها در برزیل نتیجه تلاش برای به دست آوردن صادرات ارز آور، ذخایر معدنی و اراضی کشاورزی است که همه آنها برای کارسازی بدهیها یا دستکم دستیابی به رشد، مهم و اساسی به شمار می آیند. در مورد افزایش میزان تولید مواد مخدر در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز منطق مشابهی وجود دارد. این مسئله (همان طور که بحران آمریکا-پاناما نشان داد) با اینکه روابط دوجانبه کشورهای آنها را تهدید می کند ولی به علت نیرومند بودن انگیزه‌های مالی تولید مواد مخدر، همچنان ادامه دارد. دولتهای پرو، کلمبیا، بولیوی و پاکستان خواه در این فعالیتها یک شریک خاموش باشند و خواه یک شریک بی میل، به هر حال معمولاً از نظر اقتصادی در شرایطی نیستند که جلوی آن را بگیرند. بنابراین تأکید قدیمی کشورهای غربی بر بستن راه محموله‌های مواد مخدر، به جای از میان برداشتن علل زیربنایی تولید این مواد از طریق پیشبرد توسعه، به معنی غفلت از منطق اساسی چنین وضعیتی است چرا که در چنین شیوه

بر خوردی توجه کافی به متقاضیان این تجارت نمی‌شود. اما آشکار است که نیل به توسعه اجتماعی و اقتصادی نه امری ساده است و نه فرایندی ماشینی. از دید کشورهای در حال توسعه مورد بحث، حل این معضل نیازمند چیزی بیش از اعطای یارانه‌های سالیانه یا وامهای توسعه است و به آزاد شدن اقتصاد محلی از چرخه بدهکاری و تغییر وضعیت اقتصادی نامساعد و وابسته کشور در اقتصاد جهانی نیاز دارد.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه، گرفتار همین دور باطل هستند. این کشورها اگر تنها به منابع طبیعی خویش تکیه کنند (که ممکن است شامل مجاز دانستن تولید پر درآمد مواد مخدر هم باشد) نمی‌توانند به توسعه اقتصادی دست یابند و چه بسا وابستگی آنها به درآمدهای خارجی بیشتر شود یا با ورشکستگی روبرو گردند. اما مصرف منابع جانشین ناپذیر، ثروتهای ملی را به باد می‌دهد و چشم‌انداز اقتصادی کشور را تیره تر می‌سازد. این واقعیت که کشورهای در حال توسعه باید با بازار جهانی پر رقابتی دست‌وپنجه نرم کنند که از آغاز،

## وضع و حال آفریقای زیر خط صحرا

شاخص	آفریقا	همه کشورهای در حال توسعه
تنها منطقه‌ای که سرانه تولید ناخالص ملیش در حال افول بوده است، ۱۹۸۰-۸۶ بالاترین نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص ملی، ۱۹۸۶	۳/۰۵	—
بالاترین نرخ سالانه رشد جمعیت، ۱۹۸۰-۸۶	۵۸٪	۳۷٪*
بالاترین میزان مرگ‌ومیر نوزادان (در هر ۱۰۰۰ نوزاد زنده به دنیا آمده)، ۱۹۸۶	۳/۸	۲/۰
پایین‌ترین میزان امید زندگی، ۱۹۸۶	۳/۸	۲/۰
تنها منطقه‌ای که سرانه تولید کشاورزی آن در حال افول بوده است	۴۹ سال	۵۷/۳ سال
تنها منطقه‌ای که سرانه مصرف غذای آن در حال کاهش بوده است	۷	—
بالاترین درصد سوء تغذیه شدید جمعیت (کمتر از ۸۰ درصد معیار کالری WHO, FAO)	۷	—
بالاترین نسبت خاک با محدودیتهای باردهی	۲۵	۱۶
بالاترین نسبت تبدیل زمینهای بارده خشک به صحرا	۸۱	—
شدیدترین میزان انکاب به چوب به عنوان منبع انرژی	۸۴	۶۱
پایین‌ترین درصد زمین‌های زراعی که بالقوه قابل آبیاری هستند	۸۰	—
	۵	—

\* میانگین برای ۱۰۹ کشور در حال توسعه  
مأخذ:  
J. T. Mathews, Africa: Continent in Crisis, World Resources Institute, 1988

● در برآورد طیف ابعادی که «معضل بغرنج بقا» را تشکیل می‌دهند موضوع نهایی همچنان تأمین آب و غذا برای مردم کشور است. این مسئله یکی از چهار ارزش ملی تعریف‌کننده امنیت در کشورهای جهان سوم است.

تمامی این موارد، کشورهای در حال توسعه، منابع اراضی و امنیت درازمدت محیط زیست و مردم خویش را در ازای دریافت سرمایه لازم برای توسعه، مبادله می‌کنند.

هرچند بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته با مسائل زیست محیطی و پیامدهای فقر محیط زیست روبرو هستند ولی مسلماً آن دسته از کشورهای که پیشاپیش از فقیرترین - و اغلب کوچکترین - کشورها بوده اند بیش از همه در معرض تهدید قرار دارند. نسبت بدهی بنگلادش و مالی به درآمد صادراتی آنها برابر ۷ به ۱ است. آنها از این گذشته باید با سیل و خشکسالی نیز دست و پنجه نرم کنند.<sup>۱</sup> این نسبت برای سودان برابر ۱۱ به ۱ و برای گینه بیسائو ۹ به ۱ است. در هر یک از این موارد، وضع موجود توسعه نیافتگی، این کشورهای کمتر توسعه یافته را در غلبه بر بحر آنها یا ترمیم صدمات ناتوانتر می‌سازد. یک مثال عمده، آفت ملخ در کشورهای صحرای آفریقا در سال ۱۹۸۸ است. این دولتها که فاقد منابع مالی کافی و نیروهای متخصص لازم هستند، از تشخیص بموقع تهدید یا از مقابله با آن حتی در مراحل اولیه تکوینش ناتوانند و از طرفی اگر اجازه دهند که این تهدید ابعاد گسترده تری بیابد با فاجعه‌ای بزرگ در بخش کشاورزی خود که پیشاپیش هم تکافوی نیازهای شان را نمی‌کرده است روبرو خواهند شد. نبود اطلاعات اساسی در مورد جمعیت، اقتصاد و اراضی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را با مشکلات خاصی در زمینه برنامه‌ریزی برای توسعه یا برآورد نیازهای درازمدت خویش مواجه می‌سازد. همچنین این کشورها کمتر توانایی مقابله با موقعیتهای اضطراری یا چالشهای جدید را دارند. مصداق این امر، گسترش بیماری ایدز در آفریقا است. سازمان بهداشت جهانی (WHO) موارد ابتلا به این بیماری را در قاره سیاه در سال ۱۹۸۶ معادل دو میلیون نفر تخمین زد. ولی کشورهای مورد بحث عموماً از برآورد میزان واقعی این معضل ناتوان (یا بی‌میل)

فعالیتشان در آن بازار از جایگاه ذاتاً نامطلوب توسعه نیافتگی و عقب ماندگی تکنولوژیک شروع شده است، مسئله را پیچیده تر می‌سازد. این کشورها برای جبران این وضع با سرعت بیشتری چوب حراج به منابع خویش می‌زنند. در دهه ۱۹۸۰ این جریان با سقوط شدید بهای جهانی مواد خام این کشورها مصادف شد. بر این اساس، تولید بیشتر که خود در اثر توسعه اقتصادی حاصل از دریافت وامها امکان پذیر شده است در آمد هر چه کمتری را نصیب صادرکنندگان کالاهایی چون شکر، برنج، قلع، سرب، مس و فسفات که بهای آنها از سال ۱۹۸۰ به میزان ۹ تا ۲۱ درصد کاهش یافته است می‌نماید.<sup>۶</sup>

### چرخه شیطانی

مسئله دفن زباله‌ها که ممکن است موضوع مناقشه کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه قرار گیرد به خوبی تصویرگر دام فقر است. تعدادی از دولتهای غرب آفریقا پذیرفته اند که از اواسط دهه ۱۹۸۰ در ازای دریافت کمک اقتصادی، زباله‌های سمی و هسته‌ای کشورهای پیشرفته صنعتی را در خاک خود مدفون سازند. بر اساس قراردادهای منعقد شده با شرکتهای خصوصی و دولتهای غربی، قرار است کشورهای گینه، گینه بیسائو و بنین سالانه از ۵۰ هزار تا ۵ میلیون تن زباله را تحویل بگیرند.<sup>۷</sup> این دولتها به بهای آلوده کردن محیط زیست خود، در ازای هر تن زباله تنها ۲/۵ تا ۴۰ دلار دریافت خواهند نمود که باید این مبلغ را با نرخ دفن هر تن زباله در اروپا - یک هزار دلار - مقایسه کرد. در دیگر مناطق، پنج جزیره واقع در اقیانوس آرام در سال ۱۹۸۷ پیشنهاد شرکتهای آمریکایی را برای موافقت با دفن زباله‌ها در خاکشان و سهم بردن از منافع آن رد کردند. البته حکومت جزایر مارشال طرحی را در نظر دارد که بر اساس آن در ازای دریافت سالانه ۵۶ میلیون دلار ۳/۵ تا ۷ میلیون تن از این زباله‌ها را تحویل بگیرد.<sup>۸</sup> در

● تأثیر موضوعات زیست محیطی، ماندگاری اقتصادی و بقای فیزیکی بر امنیت ملی و روابط خارجی سیاسی یا استراتژیک برخی دولتهای در حال توسعه چیزی بیش از يك تأثیر ناخواسته است.

هستند. وانگهی این واقعیت که بیماری ایدز خصوصاً در میان جواترها شایع است، تهدید نگران کننده‌ای برای ترکیب جمعیت و نیروی کار این کشورها در آینده به شمار می‌آید.

### سایر علل ناتوانی

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نارساییهای اداری موجب ناتوانی نسبی این کشورها از غلبه بر چالشهای فراگیر می‌شود. برای بسیج مؤثر و بهره‌برداری از منابع ملی در جهت توسعه، مهارت‌های مدیریتی اهمیت حیاتی دارد. اما در صورتی که کشور مورد نظر مدتها محروم از استقلال سیاسی یا دچار توسعه نیافتگی اجتماعی و اقتصادی باشد - که سطح آموزش و پرورش و سطح علمی آن را متأثر سازد - احتمالاً با کمبود مهارتهای مدیریتی روبرو خواهد بود. موزامبیک و آنگولا دو نمونه از این وضعیت هستند. هر دوی این کشورها تنها تعداد معدودی کارمند دولتی داشتند و تعداد تحصیلکردگان دانشگاهی و کارگران یقه سفید آنها در هنگام نیل به استقلال در سال ۱۹۷۵ حتی کمتر از این بود.<sup>۱۰</sup> در واقع بجز چند استثناء، قاره سیاه به طور کلی دچار کمبود حاد مهارتهای مدیریتی است و این پدیده موجب سقوط این قاره به ورطه توسعه نیافتگی بیشتر می‌شود.<sup>۱۱</sup> اما سوء مدیریت، کشورهای در حال توسعه ثروتمندتر را نیز در موقعیتی نامناسب قرار داده و تا حدودی مسئول بار کمر شکن بدهیهای آمریکای لاتین نیز هست.<sup>۱۲</sup>

با روبرو شدن کشورهای در حال توسعه با مشکل مضاعف رشد جمعیت و کمبود غذا در دهه‌های آتی که بقای آنها در معرض تهدید قرار خواهد داد اهمیت مهارتهای در حال رشد اداری و اطلاعاتی آشکارتر خواهد شد. صرف عظمت این مسئله حیرت آور است: انتظار می‌رود که جمعیت جهان در قرن آینده دو برابر شود و به ۱۰ میلیارد نفر بالغ گردد. حدود ۹۰ درصد از این افزایش جمعیت در جهان سوم - از جمله در چین - رخ خواهد داد.<sup>۱۳</sup> در بسیاری از موارد بویژه در آفریقا نرخ رشد جمعیت حتی از این نیز بیشتر است. انتظار می‌رود که در ۳۰ سال آینده جمعیت کنیا از ۲۳ میلیون به

۷۹ میلیون نفر و جمعیت نیجریه از ۱۱۲ میلیون به ۲۷۴ میلیون نفر افزایش یابد (البته ممکن است تأثیر ایدز این پیش بینیها را شدیداً دگرگون سازد). حتی در کشورهایی که برنامه‌های دولتی از نرخ زاد و ولد کاسته است، افزایش مطلق سالانه جمعیت، در صورت بالا بودن نرخ اولیه رشد آن، همچنان چشمگیر خواهد بود. اندونزی ظرف ۱۸ سال گذشته نرخ رشد جمعیت خود را از ۲/۳ درصد به ۱/۹ درصد کاهش داده است ولی حتی با کاهش این نرخ تا ۱/۶ درصد هم تا سال ۲۰۲۵ بر جمعیتش ۸۸ میلیون نفر دیگر افزوده خواهد شد و به ۲۶۳ میلیون نفر بالغ خواهد گردید.<sup>۱۴</sup> چیزی که تأثیر بالقوه این انفجار جمعیت را تشدید می‌کند این است که در اکثر کشورهای آفریقای زیر خط صحرای، متوسط سرانه مصرف غذا عملاً در طول دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته است.

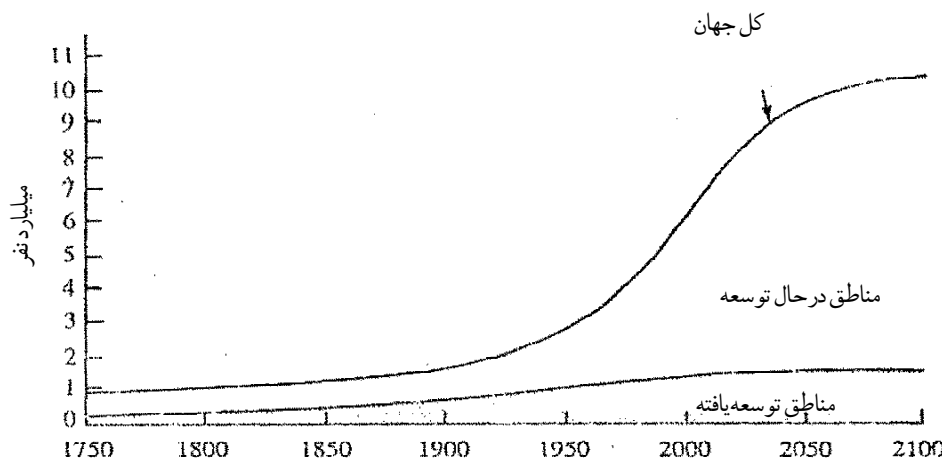
تأمین طیف وسیع کالاها و خدمات مورد نیاز شهروندان کشورهای در حال توسعه، بار فزاینده‌ای بر دوش این کشورها تحمیل می‌کند. مسئله فوق به واسطه این واقعیت تشدید می‌شود که این کشورها باید خود را با تکامل سریع تکنولوژی نیز همگام سازند زیرا این همگامی نه تنها برای نیل به نوسازی و برآوردن نیازهای داخلی ضروری است بلکه برای حفظ قدرت رقابت در صحنه اقتصاد بین الملل نیز لازم است.

### معضل بفرنج بقا

مسائل یادشده نباید این واقعیت را از دید ما پنهان سازد که تأثیر موضوعات زیست محیطی، ماندگاری اقتصادی و بقای فیزیکی بر امنیت ملی و روابط خارجی سیاسی یا استراتژیک برخی دولتهای در حال توسعه چیزی بیش از يك تأثیر ناخواسته است. رابطه سه جانبه بنگلادش، نپال و هند - که در بالا بدان اشاره شد - و نیز تلاش پیشین اتیوپی برای خاموش ساختن ندای جدایی طلبی اریتره و حفظ بنادر دریای سرخ، یا کوشش سابق دولتهای عضو کنفرانس جنوب آفریقا برای هماهنگی توسعه<sup>۱۵</sup> در جهت محدود کردن کنترل دولت نژادپرست آفریقای جنوبی بر راههای

● تعریف امنیت ملی، صرفاً (یا حتی عمدتاً) بر حسب جنبه نظامی، تصور عمیقاً نادرستی از واقعیت را به ذهن متبادر می‌سازد.

## رشد جمعیت جهان، ۱۷۵۰-۲۱۰۰



مأخذ:

Sources: Thomas W. Merrick et al., "World Population in Transition, *Population Bulletin*, Vol. 42, No.2 (1986), Figure 1,p.4, and *World Resources Report* 1988-1989, World Resources Institute, p. 16.

سوریه از کردهای شورشی و جدایی طلب ترکیه پشتیبانی نماید، جلوی جریان رودخانه فرات را خواهد گرفت.<sup>۱۶</sup> در اوایل سال ۱۹۹۰ با منحرف شدن سی‌روزه جریان رودخانه فرات در اثر ساخت سد آتاتورک هم عراق و هم سوریه سخت نگران شدند. احتمالاً اساسی‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست مصر در قبال شاخ آفریقا، اصرار آن کشور بر تضمین جریان آزاد و کامل رودخانه نیل از سرچشمه‌های آن است. در واقع این موضوع، بخشی از دکترین امنیت ملی مصر را تشکیل می‌دهد که این کشور به خاطر آن توسل به مداخله نظامی را نیز متصور می‌داند. به علاوه، همین موضوع، علایق شدید موجود در سرشت پیوندهای مصر با خارطوم و آدیس آبابا را نیز توضیح می‌دهد. در برآورد طیف ابعادی که «معضل بغرنج بقا» را تشکیل می‌دهند، موضوع نهایه همچنان تأمین آب و غذا برای مردم کشور است. این مسئله از دید آذر و مون، یکی از چهار «ارزش ملی» (national value) تعریف‌کننده امنیت در کشورهای جهان سوم است.<sup>۱۷</sup> اما برای فراتر رفتن از حد امکانات اولیه زندگی، دولت‌های در حال توسعه باید طیف وسیع کالاها و خدمات مورد نیاز شهروندان

تجاری خویش، نمونه‌هایی از این امر است. اما این رابطه بیش از همه در رقابت دولتهای خاورمیانه بر سر آب نمود می‌یابد. سواحل رودخانه‌های اردن، فرات و نیل مورد مناقشه میان کشورهای پیرامون آنهاست. در مورد رودخانه اردن این اعتقاد وجود دارد که طرح‌های معارض اسرائیلی، سوری و اردنی برای منحرف ساختن سرچشمه‌های این رودخانه، یکی از علل در گرفتن جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل بوده، و به برخورد‌های مرزی متعدد و تنش‌های سران عرب در سال‌های ۶۴-۱۹۶۳ منجر شده است. این سه دولت با نزدیک شدن سریع مصر فشان به مرز ذخایر قابل دسترسی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، تلاش خود را برای بالا بردن سهم خویش از رودخانه اردن از سر گرفته‌اند. احداث سد آتاتورک توسط ترکیه بر روی فرات در شمال شرق خاورمیانه در اواسط دهه ۱۹۷۰، تأثیر بدی بر کشاورزی عراق گذاشت. اتهامات عراق مبنی بر وجود دلایل سیاسی برای محبوس ساختن آب‌های این رودخانه توسط سوریه، با امکان تلویحی توسل به زور در سال ۱۹۷۵ همراه بود. پس از آن نیز بنا بر گزارش‌ها، ترکیه تهدید کرده است که چنانچه



● نبود اطلاعات اساسی در مورد جمعیت، اقتصاد و اراضی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را با مشکلات خاصی در زمینه برنامه‌ریزی برای توسعه یا برآورد نیازهای درازمدت خویش مواجه می‌سازد.

خود را فراهم سازند که این خود، بار فزاینده‌ای بر دوش این دولتها می‌نهد. اهمیت مسئله اخیر به واسطه این واقعیت شدت می‌یابد که این کشورها باید خود را با پیشرفت سریع تکنولوژی همگام سازند زیرا این کار نه تنها برای دستیابی به نوسازی و پاسخگویی به انتظارات داخلی ضرورت دارد بلکه برای حفظ قدرت رقابت در صحنه اقتصاد جهانی نیز ضروری است. طرفه اینکه آن دسته از کشورهایی که منابع عظیمی را برای ایجاد بخشهای مولد- بویژه صنایع مصرفی - سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بناگاه درمی‌یابند که محصولات همچون یخچالهای مجهز به گاز سی. اف. سی، به محیط زیست صدمه می‌زنند. هرچند تأثیر این نگرانیها در حال حاضر اندک است ولی ممکن است بتدریج الگوهای اقتصادی آینده را تحت تأثیر قرار دهند. این کشورها که در آغاز برای اجرای برخی پروژه‌های توسعه صنعتی، بر بار بدهیهای خویش افزوده‌اند، اکنون نه تنها با احتمال از دست دادن بازار خارجی روبرو هستند (که این نکته خصوصاً در مورد کشورهای تازه صنعتی شده صدق می‌کند) بلکه ممکن است از آنان خواسته شود که از تولید برخی اقلام برای مصرف کنندگان داخلی نیز خودداری کنند. چه این مسئله صرفاً يك تصادف باشد یا نتیجه منطق توسعه نیافتگی، به هر حال از جمله کشورهایی که شدیدترین ضربه را در این مورد خورده‌اند آنهایی هستند که کم تنوع‌ترین اقتصادها را دارند. تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه، هم‌اکنون واردکننده محض مواد غذایی هستند و همگام با رشد بیشتر جمعیتشان، با چشم‌انداز افزایش نیازها و بیشتر شدن هزینه واردات نیز روبرو هستند. برای نمونه، انتظار می‌رود که کشورهای شمال آفریقا تا سال ۲۰۲۵ سالانه به ۳۰ میلیارد دلار واردات غذایی - به ارزش دلار سال ۱۹۷۵ - نیاز داشته باشند.<sup>۱۸</sup> رشد جمعیت اگر از حد توان منابع طبیعی تجاوز کند، عاملی است که در برخی موارد به استفاده بیش از حد از منابع، نابودی جنگل‌ها، اضمحلال خاک، و تهی

شدن سفره‌های آب زیرزمینی می‌انجامد. بر اساس يك بررسی که توسط سازمان ملل انجام شده است تا سال ۲۰۲۵ آسیا تنها با تهیه و مصرف کودهای شیمیایی و انرژی فوق‌العاده که احتمالاً عواقب شدید زیست محیطی خواهد داشت، قادر خواهد بود غذای سکنة اضافی خود را (نسبت به جمعیت ۳ میلیارد نفری فعلیش) تأمین نماید.<sup>۱۹</sup> البته اثرات وارد بر اکوسیستم احتمالاً در سایر کشورها کمتر قابل‌پرهیز است و اثر گلخانه‌ای، وضعیت کلی غذایی را حتی بدتر خواهد کرد. در آینده نزدیک، تفاوت در آمدها در کشورهای در حال توسعه، این مسئله و اثرات جانبی آن را وخیمتر می‌سازد: بنا به گفته دولت هند ۳۷ درصد از مردم آن کشور قادر به خرید غذای کافی نیستند. در پرو نیز سوء تغذیه در دوران پیش از مدرسه، در فاصله سالهای ۸۳-۱۹۸۰ از ۴۱ درصد به ۶۸ درصد و در غنا در فاصله سالهای ۸۴-۱۹۸۰ از ۲۵ درصد به ۵۴ درصد رسیده است.<sup>۲۰</sup>

### نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری باید گفت که بقای فیزیکی بشر در معرض تهدیدی جدی قرار دارد و احتمال دارد که کشورها تصمیم به ایجاد سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی خاصی بگیرند که صلاحیت برخورد با مسائل زیست محیطی از طریق همکاری اعضا را داشته باشند. اما این مسئله، بالقوه يك موضوع مناقشه‌برانگیز نیز هست. يك نمونه از این امر، رقابت بر سر آب است که باعث پیچیدگی روابط بین دولتهای غرب آسیا (ترکیه، سوریه، عراق، لبنان، اردن، و اسرائیل) شده و بر بیوندهای میان بهره‌گیرندگان رودخانه نیل نیز حاکم است. به علاوه، رقابت بر سر منابع حیاتی باعث عمیقتر شدن منازعات سنتی بر سر خاک و منابع می‌شود، مانند اختلافات عراق با کردها در مورد خودمختاری آنها در مناطق نفت خیز، برخورد لیبی و چاد در نوار آزو، اختلاف نظرهای محلی و بین‌المللی بر سر استفاده از آبراه‌ها در آمریکای مرکزی یا

get the Pacific”, **International Herald Tribune**, 14 November 1988.

9. **World Bank Debt Tables**, vol. 2. 1987-1988.

بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای که در آمد متوسطی دارند و بسیاری از کشورهای تازه‌صنعتی شده وضع نسبتاً بهتری دارند. البته نسبت بدهی به درآمد صادراتی کشور در سال ۱۹۸۷ از ۲/۲ به ۱ برای کلمبیا، تا ۳/۱ به ۱ برای نیجریه، و ۵/۵ به ۱ برای آرژانتین و پرو متفاوت بود.

Robert Sloan, “The Third World Debt Crisis? Where We Have Been and Where We Are Going”, **The Washington Quarterly**, vol. 11, no. 1, Winter 1988, p. 110, chart 3.

10. Hamza Alavi, **An Introduction to the Sociology of “Developing Societies”**, Hamza Alavi and Teodor Shanin (eds.), Basingstoke: Macmillan Press, 1982.

11. Sam Sarkesian, “African Community Building”, in Gavin Boyd (ed.), **Regionalism and Global Security**, Lexington MA: Lexington Books, 1984, p.54.

12. Gavin Boyd (ed.), **Regionalism and Global Security**, p.8.

13. **Time**, 2 January 1989.

14. Richard Berry, “An Indonesian Tries to Put Brakes on Population”, **International Herald Tribune**, 4 January 1989.

15. Southern African Development Co-ordination Conference (SADCC).

۱۶. الحیات، ۳ اکتبر ۱۹۸۹.

17. Edward E. Azar and Chung - In - Moon, “Towards an Alternative Conceptualization”, in Azar and Moon (eds.), **National Security in the Third World: The Management of Internal and External Threats**, London: Edward Elgar, 1988, pp. 283-4.

18. Giles Merrit, “Mediterranean: The Crunch Has Barely Started”, **International Herald Tribune**, 7 December 1988.

19. Jyoti Shankar Singh, “Asia: Three Billion and Still Growing”, **International Herald Tribune**, 3 August 1988.

20. **Time**, 2 January 1989, and Giovanni Andrea Cornia, Richard Jolly and Frances Stewart (eds.) **Adjustment With a Human Face**, vol. 1, Oxford: Clarendon Press, 1987.

آسیای جنوب شرقی، و تعداد دیگری از منازعات ارضی و بحری در سراسر جهان سوم.

مؤسسات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توانند با ارائه کمک‌های اضطراری و پشتیبانی فنی یا با میانجیگری سیاسی و اجرایی برای حل اختلافات درون مناطق و فراهم ساختن امکان همکاری مؤثر در برخورد با برخی مسائل نقش عمده‌ای ایفا کنند. ولی چنین تلاشی جز در صورتی که مسائل اساسی کشورهای در حال توسعه (بویژه کشورهای فقیرتر) به طرز مؤثر مورد توجه قرار گیرد در درازمدت نارسا خواهد بود. معضل رقابت در يك اقتصاد بسیار پیشرفته جهانی - با عدم توازن بارز ساختاری و تکنولوژیکش - آن هم تحت شرایط نامساعد توسعه نیافتگی محلی و بحران زدگی دولت نه تنها بسیاری از دولتهای کمتر توسعه یافته مقروض را از برخورد با مسائل زیست محیطی بازمی‌دارد بلکه حتی ممکن است آنها را وادار به وخیم‌تر ساختن این وضع کند.

#### یادداشت‌ها

۱. هلگا هافندورن، «معمای امنیت:

نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین‌المللی»، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۱)، ص ۳.

2. Richard H. Ullman, “Redefining Security”, **International Security**, vol.8, no.1, 1983, p.123.

3. **Ibid.**, p. 135.

4. **The Observer**, 9 October 1988.

5. John Chipman, “Regional Stability in the Developing World: Managing the Acceleration of History”, Paper Presented at the Third Heads of Institute of International Strategic Studies Conference, Wilton Park: 15-17 November, 1989, pp. 22-27.

6. **UNCTAD Commodity Yearbook**, 1987.

۷. براساس مباحثات صورت گرفته در پارلمان

اروپا:

Alan George, “The Nuclear Dumps of Waste Africa”, **The Observer**, 29 May 1989.

8. Michael Richardson, “US Waste Plan Tar-